

تنظیمات اجتماعی نیز مبتنی بر حقیقت و ذوات اشیا و پدیده‌هاست؛ از این رو، به طور کلی، عدالت تکوینی خاستگاه حقوق و تمامی تنظیمات اجتماعی است و به اعتبار ماهیت نظام تکاملی هستی، این رابطه نیز تکاملی خواهد بود.

پس از آنکه این اصول درباره عدالت ساختاری روشن شدند، می‌توان به تنظیم عادلانه نظام اجتماعی پرداخت. اما پیش از آن، باید دیدگاه روشنی از مفهوم «نظام اجتماعی» به دست آورد. نظام اجتماعی هویتی است جمعی و هدف‌دار و ذی‌حیات که مبتنی بر اصول حقیقی فطری تکوین یافته و دارای قانونمندی و نظم در کیفیت تعامل و روابط بین اجزا و نهادهاست. یک نظام اجتماعی شامل نظام‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر این است، اما این شمولیت به معنای تفکیک‌پذیری و تقسیم‌پذیری هر کدام از این نظام‌ها، از کل مجموعه نظام اجتماعی نیست و نمی‌توان گفت که برای مثال نظام اقتصادی یک اجتماع، بخشی از نظام اجتماعی را فراگرفته است و به روابط و نهاد‌های خاصی از کل مجموعه نظام اجتماعی محدود است، بلکه منظور این است که هر نظام اجتماعی را می‌توان با توجه به حیثیات وجودی مختلف و از جهات مختلف بررسی و تجزیه و تحلیل کرد؛ وگرنه مابه‌ازاء هر کدام از این نظام‌های تحت شمول، کل نظام اجتماعی است و نه بخشی از آن؛ برای مثال، یک نظام اقتصادی، یک نظام اجتماعی است که کل حیثیت اقتصادی آن، مورد نظر و دقت است. برای تقریب به ذهن، درباره این مسئله می‌توان به «انسان» توجه کرد که گاهی به اعتبار و حیثیت حیوانیت مورد توجه قرار می‌گیرد و گاهی به اعتبار انسانیت؛ در حالی که وجود خارجی انسان یک چیز بیشتر نیست؛ بنابراین در اینجا نیز به طور مشابه می‌توان گفت که مثلاً نظام اقتصادی نظامی است که «جنس» آن را نظام اجتماعی به عنوان یک هویت جمعی هدف‌دار و ذی‌حیاتی تشکیل داده که قانونمند بوده است و در تعامل و روابط بین اجزا و نهاد‌هایش نظم دارد و «فصل» آن بنا به تعریف، شامل مسائل و موضوعات اقتصادی، روابط و نهاد‌های اقتصادی است.

همچنین عدالت اجتماعی در معنای «تنظیم» ناشی از عدل تکوینی است و از مسیر عدالت فلسفی عبور می‌کند و چنین عدالتی حاکی از وجود نظم و قانونمندی است و همواره تنظیم اجتماعی باید به گونه‌ای صورت پذیرد که در آن رعایت تناسب‌ها، نسبت‌ها و استحقاق‌ها مورد توجه باشد و بین اجزا، روابط و نهاد‌های نظام اجتماعی توازن و تناسب منطقی ناشی از استحقاق‌ها حاکم شود؛ بنابراین، به طور مشخص، دلایل تنظیم عادلانه اجتماعی و ضرورت آن عبارت‌اند از:

۱. موزون‌سازی نهادها و روابط اجتماعی در مسیر تحقق اهداف نظام اجتماعی و مبتنی بر اصول ناشی از عدالت فراگیر اجتماعی؛

۲. بازسازی، شکل‌دهی و نوسازی واقعیات و پدیده‌های اجتماعی بر اساس حقایق و حقوق اجتماعی. برای دستیابی به «عدالت تنظیمی»، دو نوع تنظیم ضروری به نظر می‌رسد: ۱. تنظیمات حقیقی که عبارت‌اند از تنظیماتی که بر اساس حقیقت، ماهیت و ذوات اشیا و امور به دست می‌آیند و معمولاً به عدالت تکوینی نیز معروف‌اند؛ ۲. تنظیمات اجتماعی که گاهی اوقات به طور مستقیم به اتکای حقایق وجودی «تنظیمات حقیقی» یک نظام اجتماعی به دست می‌آیند و ما مراتب آن را «تنظیمات اولیه» می‌نامیم. گاهی نیز در مراتب بعدی و به واسطه مراتب «حقوق اجتماعی» به دست می‌آیند که ما در اینجا به آن‌ها «تنظیمات ثانویه» اطلاق می‌کنیم و قطعاً تنظیمات اولیه و ثانویه در یک تطابق و انسجام منطقی با یکدیگرند و اگر بپذیریم که تنظیمات اولیه ناشی از عدالت در تکوین هستند، در آن صورت خواهیم گفت